

بررسی تکایا در طهران قدیم در دوره قاجاریه

فاطمه بینشی فر^۱

چکیده

با توجه به اینکه دوره قاجار، مراسم مذهبی باشکوه برگزار می‌شده، برای بزرگداشت عزاداری امام حسین(ع)، تکیه‌ها رونق فراوانی یافتند، چنانکه هم اصناف و مردم عادی و هم شاهان قاجار سعی در برپایی تکایا داشتند. تعزیه و تعزیه خوانی، از جمله مراسمی بود که در تکیه برگزار می‌شد، ساختن تکیه چنان در دوره قاجار گسترش پیدا کرد که حتی صاحب منصبان و وزرا سعی می‌کردند در ساختن تکیه، نسبت به یکدیگر پیشی بگیرند. در یک تقسیم‌بندی کلی تکایا در دوره قاجار به تکیه‌های اصناف و تکایای دولتی تقسیم می‌شد. در این تکیه‌ها محل خاصی برای شاه، همسران شاه، مردم عادی و همچنین پذیرایی از سفرای خارجی هم وجود داشت، البته گاهی ورود سفرای خارجی با محدودیت همراه بود. برای انجام این پژوهش که از نوع پژوهش‌های تاریخی و به روش کتابخانه‌ای است، داده‌های تاریخی با استناد به منابع اصلی مانند خاطرات و روزنامه‌ها، گردآوری شده و چون در اغلب منابع توضیحاتی درباره تکیه دولت (گلستان) داده شده و کمتر به بحث در رابطه با تکیه‌های اصناف شده، در این پژوهش سعی شده به این مورد توجه شود.

نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که دوره قاجار تکیه‌ها اهمیت زیادی پیدا می‌کنند و مراسم مذهبی در مقایسه با دوره قبل از قاجار باشکوه‌تر برگزار می‌شده، چنانکه تمام افراد جامعه، سعی در برگزاری و شرکت در این مراسم داشتند.

کلیدواژه‌ها: تکیه، قاجار، عزاداری، تعزیه، اصناف، صاحبقرانی، گلستان.

مقدمه

درباره مکان برگزاری تعزیه، می‌توان گفت تا قبل از ایجاد تکایا، مراسم عزاداری در بقاع متبرکه، کاروان سرا، میادین، صحن امامزاده‌ها، بازار و کوچه‌ها برگزار می‌شد، اما در سال‌هایی که محرم و صفر مصادف با زمستان بود، برگزاری این مراسم با مشکلاتی همراه می‌شده است؛ لذا نیاز به مکان‌هایی سرپوشیده، برای برگزاری تعزیه احساس شد.

در فرهنگ‌ها و لغت‌نامه‌ها برای تکیه به جز معنای لغوی آن (پشت‌کردن و تکیه‌کردن به چیزی یا قرار گرفتن بر آن) سه معنای دیگر ذکر شده است: ۱- گورستان و بقاع مشایخ صوفیان و عارفان و قدیسان، ۲- محل نگهداری فقیران و تهیدستان (کاروان‌سرا و منزلگاه فقیران صوفیه)، ۳- جایی وسیع که در آن مراسم عزاداری و شبیه‌خوانی برپا کنند. تکیه در نزد درویشان به معنای جایگاه درویشان است که خانقاه تعبیر دیگر آن است. به مرور با رواج تشیع در ایران، تکیه در نزد مردم به حسینیه، محلی برای عزاداری حضرت سیدالشهداء و ائمه شیعیان درآمد (دهخدا، ۱۳۷۷: ۵/۲۲۷).

نحوه برگزاری مراسم مذهبی در تکیه به این صورت بود که ابتدا روضه‌خوان، بعد از حمد و ثنای الهی، مختصری از مصایب و بلاهای حزن‌انگیز حضرت امام حسین (ع) را بیان می‌کرد و چون اسم امام حسین (ع) برده می‌شد، فوراً از آن جمعیت صدای ناله و گریه حزن‌انگیزی بلند می‌شد. بعد از گریه بسیار، روضه‌خوان از منبر به زیرآمده و پس از او دسته موزیک وارد می‌شد. بعد از موزیک، چند دسته مختلف وارد تکیه می‌شدند که دسته اول، دسته سقا بود که هر کدام مشکی بر دوش خود گذاشته بودند و چون در میان مردان و زنان می‌رسیدند، بعضی فریادهایی می‌زدند و چیزهایی می‌گفتند که باعث سوزش قلب مستمعان می‌شد. بعد از ورود سقایان، یک دسته درویش داخل تکیه می‌شدند و هر کدام دسته زنجیری در دست داشتند که بر دوش برهنه خود می‌زدند. بعد از ورود درویش‌ها، یک دسته مردمان منتخب وارد تکیه می‌شدند. آن‌ها به افتخار عزاداری امام حسین (ع)، نذر نموده بودند که خون خود را بریزند (ویلس، ۱۳۶۳: ۲۶۸).

از زمان آقامحمدخان قاجار و شاید اندکی پیش از آن، تا اوایل ناصرالدین شاه دهها تکیه در تهران وجود داشته است که آمارهای گوناگونی از آن‌ها در دست است. مهم‌ترین این تکیه‌ها، از لحاظ قدمت و شهرت و اهمیت عبارتند از: تکیه حیاط شاهی به مساحت تقریباً هفتصد متر در محله پامنار (اتحادیه و سعدوندیان، ۱۳۶۸: ۳۸).

با شروع سلطنت محمد شاه (۱۲۶۴ - ۱۲۵۰ ق.) مقامات دولتی با جدیت و اهتمام بیشتری درصدد ترویج تعزیه برآمدند و نخستین تکیه دولتی در این دوره و تحت تأثیر اعتقادات شخصی شاه و صدراعظم او حاج میرزا آقاسی برپا شد. تکیه حاج میرزا آقاسی در سمت غرب مجموعه کاخ گلستان تهران قرارداشت. در این تکیه، عناصر اصلی حسینیه مشاهده می‌شد. این عناصر عبارت است از سکوی گرد یا مربع در وسط، داربستی که چادر را که برای محافظت تماشاگران از آفتاب و هوای بد کشیده می‌شد، نگه می‌داشت. شصت و چهار طاق‌نما در دو طبقه و میز روضه‌خوان که قبل از شروع نمایش بالای آن روضه می‌خواندند. این محل را با انواع شال‌ها، قالی‌ها، پرده‌ها و دیگر پارچه‌ها، ظروف و بشقاب‌های چینی، علم‌ها و بیرق‌ها آذین می‌کردند (کوهستانی نژاد، ۱۳۸۷: ۱۱۷).

تکیه‌های اصناف

در آن دوره به‌جز تکیه‌های شاهی و دولتی و تکیه‌هایی که سازندگان آن‌ها رجال مملکتی و اعیان و اشراف بودند، در هر کوی و برزن و محله یک یا چند تکیه وجود داشت که بانیان آن‌ها برخاسته از اصناف و عامه مردم محله‌ها بودند. در بیشتر تکیه‌ها، به اقتضای محل، چادری بزرگ که در واقع سقف تکیه به حساب می‌آمد و می‌توانست عزاداران را از آفتاب و باد و باران مصون نگه دارد، افراشته می‌شد. چادرها گاه ساده و گاه مزین به نقش‌های تزیینی بود. کف تکیه نیز با قالی مفروش و بر در و دیوار آن پارچه‌هایی سیاه و کتیبه‌های قلم‌کاری که بر روی آن اشعاری در رثای اهل بیت، نقش بسته، آویخته می‌شد. هر تکیه به نام بانی خود یا محله‌ای

که در آن واقع شده بود، شهرت داشت. طبق اسناد و مدارک موجود در سال ۱۲۸۵ق. حدود سی تکیه در تهران دایر بوده که بعدها پانزده تکیه دیگر به آن افزوده شد و مجموع تکیه‌های دایر در تهران به چهل و پنج باب رسید (بیگی، ۱۳۷۳: ۳۱۶).

بنابر آمار دارالخلافه تهران، در سال‌های نخستین سلطنت ناصرالدین‌شاه، فقط در شهر تهران پنجاه و چهار باب تکیه بوده است که در اواخر سلطنتش به هفتاد و پنج باب افزایش یافت. از این تعداد سه باب به نام‌های تکیه پادشاهی، تکیه جناب صدراعظم و تکیه دریاچه در محله ارک و بقیه در محله‌های عودلاجان، بازار، سنگلج و چاله میدان قرارداد داشت. شمار و نام تکیه‌های هر محله به قرار زیر بود:

- ۱- محله‌ی عودلاجان، دوازده تکیه: تکیه آغابهرام خواجه، تکیه پامنار، تکیه دانگی، تکیه پیره-زن، تکیه سرچشمه، تکیه درب حمام، تکیه درب مدرسه، تکیه درب مسجد حوض، تکیه مخروبه سرچلنک، تکیه کوچک درب خانه آقا محمدحسن تاجر، تکیه سرگذر عودلاجان و تکیه پیر عطا.
- ۲- محله‌ی بازار، هفده تکیه: تکیه یاور، توپخانه مبارکه، تکیه قاطرچی‌ها، تکیه پاچنار، تکیه چهل تن، تکیه حاجی محمدجعفر خباز، تکیه پشت بازار دولت، تکیه خداآفرین، تکیه هفت تن، تکیه در مسجد جامع، تکیه نوروز خان، تکیه در امامزاده زید، تکیه معتمدالدوله مرحوم، تکیه ملک آباد، تکیه سید احمد مقنی، تکیه خلیج‌ها، تکیه عباس آباد و تکیه زنبورک خانه.
- ۳- محله‌ی سنگلج، دوازده تکیه: تکیه چال حصار، تکیه قورخانه‌ی کهنه، تکیه مرحوم میرزا حسین حکیم‌باشی، تکیه عابد میر غضب، تکیه دباغ خانه، تکیه درخوانگاه، تکیه کوچک پائین، تکیه قمی‌ها، تکیه کرمانی‌ها، تکیه آقا محمدجعفر نایب، تکیه سید ناصرالدین و تکیه حاجی باقر.
- ۴- محله چاله میدان، ده تکیه: تکیه ابوالقاسم شیرازی، تکیه زرگرها، تکیه لوطی‌علی خان، تکیه کدخدا شریف، تکیه قفقازها، تکیه سرپولک، تکیه سینه چال، تکیه عباسعلی، تکیه عرب‌ها و تکیه امامزاده (بلوکباشی، ۱۳۸۳: ۹۵).

هر چادر را با یک یا چند ستون استوار کرده، دامن آن‌ها را با طناب‌های محکم که به میخ طویله‌هایی که بر پشت دیوارها و رجزهای مکان آن تعبیه شده بود، بسته سرپا می‌داشتند که خود این چادر زدن از مشاغل مخصوص منحصربه‌خودی بود که باید استادان ورزیده و خبره‌کاران تجربه اندوخته بدان دست بزنند، چه امکان داشت باد و طوفان، هنگام افراشتن و بعد از آن موجب سقوط و تلف خود و خسارت و تلفات دیگران بشود و غالباً هم اهل این فن، این کار را افتخاراً و برای رضا و خشنودی امام همام، اباعبدالله انجام داده، هیچ مزد و متی نمی‌پذیرفتند و آن را نوعی ثواب و عملگیش را در راه امام حسین (ع) توشه آخرت می‌دانستند. تکیه هر محل از امکانی بود که از حیث زینت و آرایش واقعاً به‌حد افراط و مبالغه می‌رسید؛ زیرا این عزاخانه‌ها که از ابتدا هر یک به نام محل خود تأسیس شده بود، هر غرفه و طاق‌نمای آن را سرشناس و سرجنابانی سیاه پوش می‌نمود که سبب چشم‌هم‌چشمی‌ها و خودنمایی‌ها و لوطی‌بازی‌ها هم بود که هر یک را بر دیگری ممتاز ساخته، تا آنجا که گاهی آن را از حیث آینه و چراغ و عکس و شمایل و قالی‌کوبی و کتیبه‌بندی و گوی و قندیل از صورت عزاخانه خارج ساخته به قیافه حجله‌خانه درآورد (شهری، ۱۳۷۱: ۳۶/۲).

بدون‌شک اغلب این تکیه‌ها پیش از سلطنت ناصرالدین‌شاه و در دوره سلطنت طولانی فتحعلی‌شاه و نوه‌اش محمدشاه که روی هم بیش از نیم قرن از ۱۲۱۱ تا ۱۲۶۴ ق. بر اریکه پادشاهی فرمان می‌راندند، ساخته شده بود. در اوایل دوره ناصرالدین‌شاه در تهران در حدود چهل یا پنجاه باب تکیه وجود داشت. در اواخر سلطنت او شمار تکیه‌ها به هفتاد تا هشتاد باب رسید. افزایش تکیه به دو برابر، در مدتی کمتر از نیم قرن، نشان‌دهنده رشد و رواج تعزیه‌خوانی در دوره ناصری است؛ علاوه‌بر خواندن تعزیه در تکیه‌ها، بسیاری از مجالس تعزیه نیز در میدان‌ها و کاروان‌سراها و منازل اعیان و اشراف برگزار می‌شد (اتحادیه و سعدوندیان، ۱۳۶۸: ۳۸).

دسته‌بندی تکیه‌ها

- ۱- تکیه‌هایی که بانیان ساختمان آنها از گروه‌های قومی بوده‌اند و هر یک به عزاداری اعضای یکی از گروه‌ها اختصاصی داشته است، مانند تکیه‌عرب‌ها، خلیج‌ها و قفقازها.
- ۲- تکیه‌هایی که افراد گروه‌های صنفی آنها را ساخته بودند و هر یک به صنف خاصی اختصاص داشته است، مانند تکیه‌ی زرگرها و قاطرچی‌ها.
- ۳- تکیه‌هایی که به مهاجران شهرستانی مقیم تهران اختصاص داشته و با کمک و یاری همین مهاجران ساخته شده بوده‌اند، مانند تکیه‌ی قمی‌ها و کرمانی‌ها.
- ۴- تکیه‌هایی که به همت افراد خیری از حرفه‌های مختلف ساخته شده‌بود و به نام بانی اصلی یا شخصیت برجسته و محترمی از همان حرفه معروف شده بود، مانند تکیه‌های حاجی محمد جعفر خباز، سید احمد مقنی و میرزا حسین حکیم باشی.
- ۵- تکیه‌هایی که به نام یکی از مأموران تشکیلات حکومتی خوانده می‌شده‌اند. بانی ساختمان این تکیه‌ها یا خود مأموران بوده‌اند، یا مردم که به دلایل خاص تکیه‌ها را به نام مأموران می‌خواندند، مانند تکیه‌های عابد میرغضب، کدخدا شریف.
- ۶- تکیه‌هایی که به نام بانیان و سازندگانشان که از رجال و شخصیت‌ها و ثروتمندان سرشناس بوده‌اند، نامیده می‌شدند، مانند تکیه‌های معتمدالدوله، ابوالقاسم شیرازی، محمدحسن تاجر.
- ۷- تکیه‌هایی که به سبب مجاورت با زیارت‌گاه‌های محله‌ها و تقدس این مکان‌ها به نام آنها شناخته و معروف بودند، مانند تکیه‌ی سید ناصرالدین یا نصرالدین، پیرعطا، چهل تن، هفت تن و امامزاده زید.
- ۸- تکیه‌هایی که به نام مسجد و مدرسه و حمام مجاور خود در محله‌ها نام‌گذاری شده‌بودند، مانند تکیه‌ی درب مسجد حوض، مسجد جامع، درب مدرسه و درب حمام.

۹- تکیه‌هایی که به سبب اهمیت و شهرت کارخانه یا کارگاه و محل مهم صنعتی، همچون کارخانه صنایع نظامی و صنعت چرم‌سازی در تهران، به نام آن‌ها شناخته می‌شدند، مانند تکیه‌ی قورخانه کهنه، زنبورکخانه، دباغخانه.

۱۰- تکیه‌هایی که به نام محله‌ها معروف شده بودند، مانند تکیه‌های پاچنار، پامنار، چال حصار، سرپولک، سرچشمه، عباس آباد (بلوکباشی، ۱۳۸۳: ۹۷).

تکیه‌های دولتی

تکیه صاحبقرانیه (نیاوران): عبدالله مستوفی در خاطرات خود به این تکیه اشاره دارد:

«ناصرالدین شاه در نیاوران هم تکیه‌ای ساخته بود که تابستان‌ها که به بیلاق می‌رفت، در آن جا تعزیه‌خوانی می‌شد، البته این تکیه بیلاقی به طول و تفصیل تکیه تهران نبود و چون فضای آن کم بود با اسباب و ادواتی مختصرتر این عزاداری را برپا می‌کردند. از شاهزادگان و اعیان و رجال هم هر یک که خانه آن‌ها وسعت پذیرایی بساط تعزیه و خود آن‌ها توانایی پرداخت انعامات قاطرچی و ساربان و نقاره‌چی و موزیکانچی‌های دولتی که در تعزیه ناگزیر بود داشتند، تعزیه می‌خواندند، حتی بعضی همانطور که چادر خاص به اندازه حیاط بزرگ تدارک دیده بودند، حیاط را هم طوری ساخته بودند که در ایام تعزیه‌خوانی بتواند به تکیه تبدیل بشود» (مستوفی، ۱۳۲۴: ۴۰/۱).

ماه محرم سال ۱۲۶۹ق. از اواخر مهر ماه شروع شد و به لحاظ خنکی هوا، ناصرالدین شاه مراسم عزاداری را در کاخ گلستان برگزار کرد. در واقع طی عزاداری مزبور، مکان خاصی با عنوان تکیه دولت وجود نداشت، ولی چند سال بعد، هنگامی که کاخ ناصرالدین شاه در نیاوران ساخته شد و نام صاحبقرانیه را به خود گرفت، به دلیل تلاقی ایام عزاداری محرم با گرمای

تابستان، شاه دستور ساخت یک تکیه را در مجموعه نیاوران و کاخ صاحبقرانیه، صادر کرد. این اقدام احتمالاً در سال ۱۲۷۳ق. انجام شده است. دو سال بعد در روزنامه وقایع اتفاقیه در ذیل عنوان دارالخلافه تهران گزارشی از ساخت تکیه نیاوران و نیز برگزاری مراسم عزاداری محرم در آن ارائه شده است. در این گزارش اشاره شده که:

«در این اوقات که ایام عاشورا است، اعلیحضرت اقدس همایون شاهنشاهی خلد الله ملکه و سلطانه در بیلاق نیاوران تشریف دارند. تکیه جدیدالبنای نیاوران را که در این دو ساله ساخته شده است، اسباب تکیه و طاق‌نما از شال و نفایس و قنادیل و سایر بلورآلات که قبل از وقت جناب اشرف امجد ارفع اکرم صدراعظم افخم مقرر داشته بود حاضر نمایند، از شهر برده، صفه و طاق نماها را به قانونی که رسم است از تجار و غیره در کمال آرامش و صفا بسته و روضه-خوان و شبیه‌خوان هر روزه به ذکر مصیبت خامس آل عبا و ثالث ائمه هدی امام شهید مظلوم ابا عبدالله الحسین علیه السلام مشغولند. در این ایام سر کار اقدس همایون خود تشریف فرماید تکیه مزبور می‌شدند و چاکران ملتزم رکاب همایون و اعیان و اشراف و سادات و اهالی به استماع ذکر مصیبت حاضر می‌شدند و جمعیت کامل از عزاداران منعقد می‌گردد و به جهت احراز منوبات و حصول دعا‌های ذات اقدس همایون شاهنشاهی خلد الله ملکه و سلطانه اطعام فقرا و مساکین و اصناف و سایر تعزیه‌داراناز جانب جناب اشرف ارفع امجد صدراعظم به طور اکمل به عمل می‌آید.

در سایر دهات شمیران هم در هر قریه و قصبه تکیه حسینیّه بسته و به لوازم تعزیه داری می‌کوشند و در شهر دارالخلافه نیز جمیع تکایا را

بسته، عموم اهالی ولایت از سادات و اعزه و اشراف و غریب و بومی ذکوراً و اناثاً، لیلاً و نهاراً به لوازم تعزیه‌داری اشتغال دارند. درروز اول تشریف‌فرمایی سرکار اقدس همایون به تکیه نیاوران، به قرار معهود از جانب جناب اشرف ارفع اعظم صدراعظم، تقدیم قربانی‌ها و پای‌انداز گردیده و چون مقرب‌الخاقان حاج‌علی‌خان حاجب‌الدوله همواره در انجام خدمات محوله به خود، آثار کفایت و کفالت را ظاهر ساخته و مورد عنایات و التفات اعلی‌حضرت شهریاری خلدالله ملکه می‌گردد و هر سال طاقه شال پای انداز در تکیه را از همت شگون به مقرب الخاقان مشارالیه مرحمت می‌فرمودند، امسال نیز طاقه شال پای انداز را به او عنایت و قرین مباحثش فرمودند» (روزنامه وقایع اتفاقیه، ۱۲۷۵: ش ۱/۳۹۴).

در شماره بعدی روزنامه وقایع اتفاقیه که در ۱۶ محرم منتشرشد، گزارش دیگری از برگزاری مراسم عزاداری و تعزیه در تکیه نیاوران که در گزارش مزبور از آن با عنوان تکیه‌دولت در نیاوران یاد شده، چاپ شده است. در این گزارش:

«ایام عاشورا را که موکب همایون در نیاوران تشریف‌داشتند، همه روزه در حضور سرکار اعلی‌حضرت قدر قدرت شاهنشاهی خلدالله ملکه و سلطانه، تعزیه‌داری جناب خامس آل‌عبا سیدالشهداء علیه و علی آبائه الف الف التحیه و الثنا می‌شد و همه روزه به تکیه دولت که جناب جلالت مآب اجل اشرف امجد اکرم، صدراعظم افخم در نیاوران ترتیب‌داده و با کمال زینت بسته بودند، تشریف می‌آوردند و در حضور همایون، تعزیه‌داری می‌شد. دو شب هم، یکی شب عاشورا و

یکی شب یازدهم را تشریف آورده، هم سیر چراغانی آن جا را فرمودند و هم در دو شب تعزیه در حضور همایون آوردند. در سنوات سابقه اگر چه جناب جلالت مآب معظم، روز یازدهم را هم تعزیه‌داری داشتند لکن سر کار اقدس همایون روز مزبور را تشریف نمی‌آوردند. در هذه السنه، روز یازدهم را هم تشریف آوردند و در کمال خوبی مراسم تعزیه‌داری به عمل آمد و نظر به این که مقرب-الخاقان دبیرالملک در مراسم تعزیه‌داری در تکیه مزبور کمال اهتمام به ظهور رسانده، مقبول خاطر مبارک اقدس همایون گردیده، یک ثوب کلبه از ملبوس بدن مبارک، خلعت در روز یازدهم مرحمت فرمودند» (همان، ۱۲۷۵: ش ۱/۳۵۹).

در مورد تکیه دولت نیاوران، گزارشات دیگری که در خصوص وقایع محرم سال ۱۲۷۷ ق. وجود دارد، بیانگر فعال بودن تکیه مذکور است. در این گزارشات می‌خوانیم:

«روز دوشنبه بیست و پنجم شهر ذی‌حجه از ییلاق شهرستانک وارد نیاوران شدند و چون ماه محرم نزدیک بود و اسباب عزاداری در شهرستانک مهیا نمی‌شد، به عین الملک ناظر، حکم شده که اسباب تعزیه‌داری را در نیاوران در تکیه دولت فراهم آورد؛ لهذا عین الملک در نهایت آراستگی اسباب عزاداری را مهیا نمود و چادری که مخصوص همین تکیه بود و سال گذشته بعد از اتمام عزاداری در سلطانیه به اهل زنجان مرحمت شد و به حاجب الدوله فراشبازی حکم شد که چادر بسیار خوب مخصوص، از اصفهان تمام کرده و به جهت تکیه دولت بیاورد، لهذا مشارالیه چادر بسیار خوب ممتاز تمام کرده و در بیست و پنجم شهر ذی‌حجه الحرام وارد نیاوران کرده و بسیار

مستحسن افتاد. از روز اول ماه محرم مشغول عزاداری هستند. اول صبح در حضور مبارک، شبیه و روضه خوانده می‌شود و عصر تشریف فرمایی تکیه دولت می‌شوند و این ده روزه جمیع نوکرهای دربار هر یک مخصوصاً اسباب عزاداری فراهم آمده و مشغول هستند لهذا به امورات دولتی کمتر رسیدگی می‌شود و همه مرخص شده و مشغول امورات دینیه خود هستند و بعد از عاشورا باز کماالسابق از طلوع صبح الی غروب آفتاب هر یک مواظب امورات دولتی خواهند بود.» (روزنامه دولت علیه ایران، ۱۲۷۷: ش ۱/۴۶۹).

«در دهه عاشورا در شمیران تکیه دولتی منعقد شده و در کمال خوبی بسته شده است. الحق بسیار باصفا و خوب و پُر زینت بسته شده بود و سرکار اعلیحضرت اقدس همایون شاهنشاهی همه روزه تشریف بردند و ازدحام زیادی می‌شد. تجار معتبر از قبیل حاجی میرهاشم تبریزی و حاجی علی اصفهانی و غیره از تهران بلور و اسباب چراغ زیادی آورده و در تکیه چیده بودند و وزراء و امنای دولت هم، هر یک حجره‌ای که داشتند همه پر زینت و چراغ و بلور بود و بعضی از شب‌ها هم سرکار اقدس همایون تشریف فرما گردیده، هم تعزیه‌داری شد، هم تماشای چراغ و تکیه را فرموده و به تجار و غیره التفات فرمودند و به مستحقین در دو روز در تکیه انعام التفات شد و معیرالممالک در حضور تقسیم کرد» (همان، ۱۲۷۷: ش ۱/۴۷۰).

در مورد محرم ۱۲۷۸ق. گزارش‌هایی از وضعیت تهران در خصوص تکیه‌نیاوران در آن زمان

وجود دارد که عبارت است از:

«در روز غره شهر محرم الحرام، {ناصرالدین شاه} به شهرستانک نزول اجلال فرمودند و به قدر گنجایش و وسعت این مکان اساس تعزیه-داری جناب خامس آل عبا علیه التحیه و الثناء را فراهم آورده و این ده روز را مشغول لوازم تعزیه‌داری بودند. هوای دارالخلافه به مقتضای فصل، این اوقات کمال حرارت دارد. اگرچه چندی بود بعضی ناخوش‌های مهلک پیدا شده بود، لکن الحمدالله تعالی از حرارت هوا شدت نکرده، بلکه در ایام عاشورا از برکت تعزیه‌داری جناب سیدالشهداء علیه و علی آبائه الف آلاف التحیه و الثناء مفقود و معدوم و از میان خلق زایل شد و مردم با کمال فراغت به تعزیه‌داری مشغول گردیده و جمیع تکایا را بستند. در اغلب مساجد و خانه‌ها نیز به تعزیه‌داری نشستند، خصوصاً در تکیه‌دولتی که برحسب معمول کارگزاران دیوانی به لوازم تعزیه‌داری مشغول شدند و محض ازدیاد دعاگویی‌های ذات کثیر البرکات اقدس همایون شهریار خلدالله ملکه و سلطانه بذل خیرات و مبرات زیاد کرده و هر یک از مجالس تعزیه را به دعای بقای ذات همایونی ختم نمودند» (روزنامه دولت علیه ایران، ۱۲۷۸: ش ۲۰۰/۴۹۵).

به احتمال بسیار قوی مراد از تکیه‌دولتی در گزارش فوق، تکیه‌نیاوران (صاحبقرانیه) است. در صورت قبول احتمال مزبور، گزارش فوق آخرین گزارش دولت از تکیه‌دولت در نیاوران است؛ زیرا در همان سال، ناصرالدین شاه پس از بازگشت از بیلاق شهرستانک، دستور داد مراسم عزاداری و تعزیه را در مکانی دیگر و در ماه صفر برگزار کنند. در باب علت متروک شدن تکیه‌دولت در نیاوران، می‌توان احتمالات زیر را مطرح کرد: ۱- احتمالاً علت اصلی متروک شدن تکیه‌دولت در نیاوران، ساخت کاخ جدیدی برای ناصرالدین شاه در سلطنت‌آباد بود. در کنار

کاخ جدید، تکیه‌ای ساخته شد و از آن به بعد عزاداری‌های محرم در آنجا برگزار می‌شد. ۲- احتمالاً به دلیل وقوع بلاهای طبیعی، همچون سیل در منطقه شمیران، صاحبقرانیه و نیز تکیه دولت آن، آسیب دیده و به این ترتیب کاخ و تکیه جدید در منطقه‌ای نسبتاً هموار در سلطنت آباد ساخته شد.

تکیه دولتی سلطنت آباد

پس از متروک شدن تکیه نیاوران، محل جدید تکیه دولت در جوار کاخ بیلاقی شاه در سلطنت آباد احداث شد. در مورد این تکیه در سال ۱۲۷۸ق. اشاره شده است:

«چون در دهه عاشورا به طوری که مقصود و منظور نظر همایون بود، شرایط تعزیه داری که عامه مردم نیز مستفیض شوند، به واسطه ضیق وقت و مکان به عمل نیامد، منظور نظر مبارک آن است که در اوایل ماه صفر که سورت و صولت حرارت تموز شکسته است، از شهرستانک تشریف فرمای شمیرانات شده و در عشر ثانی ماه صفر تکیه سلطنت-آباد را که بسیار خوب و مرغوب تازه ساخته شده و مشتمل است بر حجرات تحتانی و فوقانی و کمال وسعت دارد، ببندند و چنان که منظور نظر مبارک است به تعزیه داری اشتغال ورزند» (روزنامه دولت علیه ایران، ۱۲۷۸: ش ۲۶۰/۴۹۶).

همچنین در مورد مراسم عزاداری در محرم سال ۱۲۷۹ق. آمده است:

«شاه { چند روز قبل از محرم، محض تفرج به قریه اوشان تشریف فرما گردیده و در بیست و هشتم شهر ذیحجه الحرام به جهت انعقاد مجلس مصیبت و تعزیه داری جناب سیدالشهداء علیه الاف التحیه و الثنا به عمارت بیلاق سلطنت آباد نزول اجلال فرمودند و ایام عاشورا

را در تکیه دولتی سلطنت آباد همه روزه مجلس سوگواری و تعزیه داری مهیا بوده و هر روز به بالاخانه که مشرف بر تکیه مزبور بوده است، استماع مصیبت فرموده و جمیع اعیان دولت و رجال مملکت که هر یک در تکیه مزبوره منزل معین دارند، حاضر می شدند و لوازم تعزیه-داری به جا آوردند» (همان، ۱۲۷۹: ش ۲۰/۵۲۵).

«در ایام عاشورا اگرچه هوای دارالخلافة و اطراف و نواحی گرم شده بود، لکن محض احترام تعزیه داری حضرت سیدالشهداء خامس آل عبا ابا عبدالله الحسین علیه و علی آبائه آلاف التحیه و الثناء، {ناصرالدین شاه} در سلطنت آباد توقف فرمود و تکیه آنجا را با کمال شکوه و زیب و زینت اعیان حضرت و چاکران دولت و تجار به طریق خوب و مرغوب بسته و در آن ده روز مشغول تعزیه داری بودند. در روز هشتم {شاه} تشریف فرمای تکیه ای که سپهسالار در اردوی نظامی برپا کرده و تعزیه داری می نمودند، گردید و جمیع افواج که در اردو حاضر بودند، به حالت تعزیه داری فوج و دسته دسته آمده از حضور همایون گذشتند و تا قریب به غروب در آنجا تشریف داشته، چای و عصرانه میل فرموده و از آنجا به سلطنت آباد تشریف فرما گردیدند.

با فرا رسیدن روزهای پایانی ماه ذی الحجه سال ۱۲۷۹ ه. ق، بار دیگر تدارک عزاداری ماه محرم در برنامه دربار قرار گرفت. بنابه گزارشی در این خصوص، در آن ایام «چون در هوای دارالخلافة حرارت و التهابی ظاهر گشته بود، منظور نظر مبارک این است که انشاء الله تعالی، ایام عاشورا را در تکیه دولتی سلطنت آباد به لوازم تعزیه داری خامس آل عبا، حضرت سیدالشهداء علیه الف التحیه الثناء اشتغال فرموده و بعد از انقضاء زمان تعزیت به سمت بیلاقات فیروزکوه تشریف فرما گردیده» (همان، ۱۲۷۹: ش ۲۶/۵۲۶، ۵۴۴).

در محرم سال ۱۲۸۰ق. مراسم عزاداری در تکیه دولت سلطنت آباد برگزار شد:

«این اوقات که ایام محرم و تعزیه‌داری جناب خامس آل‌عبا حضرت سیدالشهداء علیه آلاف التحیه و الثناء بود، تکیه دولتی را که از ابنیه جدیده عمارت مبارکه سلطنت آباد است به جهت تعزیه‌داری مهیا نموده، حجرات و بیوتات آن را شاهزادگان عظام و اولیای دولت گردون عدت و تجار به انواع اسباب بلور و چراغ آراسته بودند. این ده‌روز عاشورا هر روز تا سه‌ساعت اعلیحضرت شاهنشاهی تشریف فرمای بالاخانه مخصوص ذات ملکوتی صفات گردیده و مشغول مراسم تعزیت و سوگواری می‌شدند و جمیع اعیان دولت و رجال مملکت و قاطبه چاکران در حجرات متعلقه به خود حاضر می‌گردیدند و چون در ادای مراتب عزاداری آن حضرت تکلیف بزرگ و کوچک و اعالی و ادانی بالمبادی است، قاطبه مردم از کسبه و رعیت در آن مجلس اذن دخول و جلوس داشتند و رسم تعزیه‌داری را چنان چه از اولیای دین وارد است، کاملاً به عمل آوردند» (روزنامه دولت علیه ایران، ۱۲۸۰: ش ۵۷۶/۵۴۵).

در محرم سال ۱۲۸۲ق. نیز همچون سنوات قبل از آن، مراسم عزاداری در تکیه دولت در سلطنت آباد برگزار شد. در پایان آن سال و نیز محرم ۱۲۸۳ق. ناصرالدین شاه در سفر مازندران بوده و در نتیجه، مراسمی در تکیه مزبور انجام نشد. شاه در ۲۸ محرم همان سال به تهران بازگشت و عازم کاخ خود در سلطنت آباد شد و در آن جا درباریان و مقامات دولتی را به حضور پذیرفت. تا آن که محرم سال ۱۲۸۴ق. فرارسید. در روز دوم محرم سیل بسیار عظیمی به تهران سرازیر شد. گزارش‌های موجود حاکی از خرابی بسیاری از ابنیه در تهران هستند. به همین علت، طبیعی بود که در آن روزها کسی به فکر برگزاری مراسم باشکوه تعزیه در

تکیه دولت سلطنت آباد نبود، ولی سیل تنها اتفاق سال ۱۲۸۴ق. نبود، اندکی بعد در اواخر ماه ربیع الاول همان سال طوفان بسیار شدیدی در تهران وزیدن گرفت و خرابی‌های زیادی برجای گذاشت. به احتمال قوی، یکی از خرابی‌های به جا مانده از طوفان مزبور، انهدام تکیه دولت در سلطنت آباد بود. بدین ترتیب تکیه دولت در سلطنت آباد نیز متروک شد.

تکیه دولت (گلستان)

پس از تخریب تکیه دولت در سلطنت آباد، ساخت تکیه جدیدی مدنظر ناصرالدین شاه قرار گرفت. تکیه جدید می‌بایست از شرایط و ویژگی‌هایی برخوردار بوده باشد که اهم آن‌ها عبارتند از:

۱- از حدود سال ۱۲۸۴ق. به بعد، ماه محرم مقارن با ماه‌های خنک بهاری و سپس ماه‌های سرد زمستان و پاییزی می‌شد، با توجه به این موضوع، ساختمان تکیه جدید می‌بایست به گونه‌ای طراحی می‌شد که سرمای زمستانی در آن اثری نداشته باشد.

۲- در ایام پاییز و زمستان و حتی یکی دو ماه اول هر سال، محل اصلی اقامت ناصرالدین شاه در کاخ گلستان و به اصطلاح کاخ زمستانی او بود؛ در نتیجه محل تکیه جدید می‌بایست در جوار مجموعه کاخ زمستانی و یا همان کاخ گلستان قرار می‌گرفت.

۳- با توجه به تجربه پیش آمده در مورد تکیه دولت در سلطنت آباد، بنای تکیه جدید می‌بایست آن قدر مستحکم باشد که بلایای آسمانی همچون سیل، طوفان و گردباد قادر به تخریب آن نباشند.

بدین ترتیب، ساخت بنای تکیه جدید دولت در ضلع جنوب شرقی مجموعه کاخ گلستان و در مکانی روبه روی بازار تهران، توسط گروهی از مهندسين و معماران به مدیریت دوستعلی خان معیرالممالک آغاز شد. برای ساخت این تکیه ناگزیر قسمتی از زندان دولتی و سیاه چال و

همچنین عمارت مسکونی میرزا تقی خان امیرکبیر و بعضی انبارهای قدیمی و کهنه ارگ را که در ضلع جنوبی کاخ گلستان قرار داشت، به این امر اختصاص دادند (بیگی، ۱۳۷۳: ۳۱۸).

تکیه دولت دارای ارتفاع تقریبی بیست و چهار متر و عرض حدوداً سی و چهار متر بود. قطر بنا حدود شصت متر و از خارج به صورت منشوری هشت ضلعی و از داخل به شکل استوانه‌ای کامل طراحی شده بود. اصل بنا با آجر ساخته شد و به مرور، قسمت‌های درونی‌اش با کاشی‌های لعاب‌دار آبی رنگ پوشانده شده بود. همچنین کاشی‌کاری‌های رنگارنگ همراه با تزیینات حدود شصت غرفه که در سه ردیف روی هم ساخته شده بودند. تکیه دولت به صورت دایره بنا شده بود و شامل سه طبقه برای اسکان و سکونت و با سردابه‌ها، چهار طبقه می‌شد. اتاق‌های طبقه اول ویژه وزرا و حکام ولایات بود که تقسیم آن با نظارت ناظر (فراش‌باشی) بین آن‌ها انجام می‌شد. هر وزارت‌خانه و ایالت می‌بایست، یکی از اتاق‌ها را تزیین می‌کردند. اعیان و بزرگان، به مناسبت روابط خصوصی با پیشکار یا دوستی با وزیر به این طاق‌نما دعوت می‌شدند (ابطحی و کامرانی فر و شریفی‌انا، ۱۳۹۰: ۶۷). اتاق‌های طبقه دوم، ارسی داشت و مخصوص زنان حرم بود. طبقه سوم جایگاه نقاره‌چی‌ها بود که با نرده‌ای محافظت می‌شد. غرفه‌هایی که در طبقه هم کف قرارداداشت، دارای پوشش نبود، ولی غرفه‌های دیگر که مخصوص زنان اندرون بود، با پنجره‌های مشبک چوبی مسدود بودند.

طاق‌نما به دو قسمت تقسیم می‌شد: غرفه جلویی و غرفه پشتی. بعضی از این غرفه‌ها مخصوص زنان بود. هر غرفه به شاهزاده یا یک مقام والا اختصاص داشت که آن را به هزینه و سلیقه خود مانند طبقات پایین و بالاتر، تزیین می‌کردند. خدمت‌کاران در غرفه‌های پشتی، چای، شربت و غذا جهت پذیرایی حاضران هر یک از این غرفه‌ها و اتاق‌ها آماده می‌کردند (همان: ۶۸). در جلو غرفه‌های طبقه پایین، چندین ردیف پله قرارداداشت که از آن‌ها در یک سمت تکیه برای نشستن تماشاگران به خصوص زنان و در سوی دیگر برای چیدن چلچراغ‌های پایه‌دار، لاله‌ها، شمع‌دان‌ها، چراغ‌ها و گذاشتن آئینه‌ها و تابلوهای مذهبی، استفاده می‌کردند. هنگام

برگزاری تعزیه در شب، همه چلچراغ‌ها و لاله‌ها روشن و با بیش از پنج‌هزار شمع، روشنایی تکیه دولت ناشی می‌شد. هم چنین تیرک‌های چوبی به شکل فانوس قرار داشت که در بالای آن چراغ گاز نصب شده بود و به سبب این که نور آن مانع تماشای افراد غرفه‌های بالایی نگردد، چهار تیر بر بالای آن بسته‌بودند. در صدر تکیه، منبر بیست پله‌ای و یک پارچه از سنگ مرمر نصب‌کرده بودند که دوستعلی‌خان معیرالممالک در زمان حکومت خود در یزد آن را سفارش داده بود و پیش از شروع مراسم تعزیه، روضه‌خوان‌ها بر بالای منبر می‌رفتند و به شرح مصیبت می‌پرداختند. در وسط تکیه، سکویی از سنگ به بلندی یک متر ساخته بودند که به آن تخت می‌گفتند و شبیه‌خوان‌ها از پله‌هایی که در چهار طرف آن بود، بر بالای سکو رفته نقش خود را اجرا می‌کردند (ذکاء، ۱۳۴۹: ۲۹۴).

تکیه دولت سه درب داشت که هر کدام مخصوص ورود و خروج افراد خاصی بود: دربی که به طرف کاخ گلستان بازمی‌شد، برای ورود و خروج شاه و درباریان و اندرونی در نظر گرفته شده بود. درب مقابل شمس‌العماره مخصوص زنان و درب مقابل بازار مخصوص ورود و خروج مردان بود. زیر بنا و تأسیسات تکیه دولت آن قدر وسیع بود که پوشاندن سقف آن به هیچ وجه میسر نبود. چوب‌بست‌هایی به شکل گنبد با چند میله آهنی و پشت‌بندهای آجری سقف آن را تشکیل می‌داد. تعداد این چوب بست‌های هلالی ابتدا چهار نیم دایره بود، اما چون در اواسط سلطنت مظفرالدین شاه، بنا از چند محل شکست برداشت، شاه، مسیو بتن مهندس فرانسوی را به فرنگ فرستاد. او ستون‌های هلالی آهنی را با خود به تهران آورد، تعداد نیم هلال‌های آن دوازده عدد بود و همه آن‌ها با پیچ و مهره به هم بسته می‌شد.

«در عشر اول محرم ۱۳۲۳، شاه تکیه دولتی را که نزدیک عمارت سلطنتی است و در عهد ناصرالدین‌شاه، تعزیه‌داری مفصل می‌شد و چندی بود خراب شده بود، داد ساختند و مثل عهد پدرش مزین کردند و حجراتش را وزرا و حکام به بلورآلات چیدند و تعزیه

مفصلی خواندند و ائانه سلطنتی را هر روزه در آنجا به نمایش درآوردند. در حقیقت به جای عزا مجلس تئاتری بود و فرنگی‌ها در آنجا حضور داشتند و خود شاه نیز هر روزه حاضر می‌شد. دو روز آخر را حکم شد برچیدند و ساده تعزیه خواندند. گفتند مبادا بلوا بشود و آنجا را بچایند» (سپهر، ۱۳۶۸: ۲/۷۵۱).

ملیجک در خاطرات خود (دوشنبه ۷ شهر محرم الحرام ۱۳۲۶ق.) در مورد شلوغی و ازدحام در تکیه دولت بیان می‌کند:

«نزدیک ظهر رفته در خانه که در طاق نمای مجدالدوله صرف نهارکنم، او نیامده بود. رفته عکاس خانه، پیش حشمت‌الممالک قدری نان و چایی صرف کرده، به حضور اعلیحضرت شرفیاب شدم. علم شاه را هم امروز حرکت می‌دهند. حاجب‌الدوله و سایرین بودند. گارد من، موسیقی‌کان‌چی‌ها و غیره. باری رفته تکیه، طاق‌نمای مجدالدوله. دیشب اتفاق عجیبی افتاده است. دیشب را اعلیحضرت همایونی به رسم همیشه تشریف فرمای توی تکیه شده‌اند برای گردش (تا) بعد تعزیه بخوانند مردم خیلی جمعیت کرده بودند. فراش و سرباز می‌خواستند ممانعت کنند، مردم دست به طپانچه کرده (بودند) برای فراش که هنوز هم استبداد دارید؟ بگذارید برویم تماشا. بعد فراش نتوانسته بود از مردم جلوگیری کند، ازدحام کرده بودند بعد از تشریف فرمایی شاه، ریخته بودند توی تکیه، هشت نفر آدم زیر دست و پا می‌میرند» (عزیزالسلطان، ۱۳۷۶: ۲/۱۳۳۲).

در مورد زمان تعزیه و چگونگی مراسم آن در تکیه دولت می‌توان گفت که تکیه دولت از اواخر ذی‌الحجه، چند روز مانده به اول محرم برای تعزیه آماده می‌شد. نایب‌النظاره دربار (که

سرپرست و مدیر امور تشریفاتی بود) با همکاری ناظم‌البکاء و کارکنان نظارت‌خانه، تکیه را آماده می‌کردند. مراسم روضه‌خوانی در محرم تا روز تاسوعا، در تکیه دولت برگزار می‌شد و گاه تا دهم و دوازدهم یا چهاردهم نیز ادامه داشت و حتی مراسم تعزیه‌خوانی در آن، از یازدهم تا آخر محرم و گاهی تا آخر صفر نیز ادامه داشت. نمایش تعزیه در دو نوبت شبانه روز، یکی عصر از سه تا نیم ساعت قبل از غروب و دیگری از دو تا پنج و شش ساعت از شب گذشته، برگزار می‌شد. موضوع تعزیه‌ها، از سرگذشت شهیدان و یا بعضی از افسانه‌های ایرانی اقتباس می‌شد. معین‌البکاء در انتخاب نهایی نوع تعزیه‌هایی که در تکیه دولت باید به اجرا درمی‌آمد، بدون چون‌وچرا تابع نظر شاه بود. ورود غیر مسلمانان به تکیه دولت به‌راحتی صورت نمی‌گرفت، اما برای مردم شهر ورود به تکیه شرط خاصی نداشت و آزاد بود.

در گزارش وقایع محرم ۱۲۸۷ق. که در روزنامه دولت علیه ایران چاپ شد، می‌خوانیم:

«روز یکشنبه که غره‌الحرام بود ارکان دولت و اعیان حضرت گردون سلطنت به جهت عزاداری خامس آل‌عبا علیه‌التحیه و الثناء مرخصی از در به خانه رفتن حاصل نموده تا هر یک به مراسم تعزیه‌داری که اسباب دعاگویی وجود مبارک است، پردازند و قبله عالم خلدالله ملکه و سلطانه هر روزه بعد از روضه‌خوانی حضور همایون، به تکیه دولت به جهت عزاداری حضرت ابا عبدالله الحسین علیه‌السلام تشریف فرما می‌شدند و در روز هفتم به عین‌الملک خوانسالار خلعت مرحمت فرمودند» (روزنامه دولت علیه ایران، ۱۲۸۷: ش ۱۲۱۸/۶۴۱).

به‌نظر می‌رسد در سال ۱۲۹۰ق. ساختمان اصلی تکیه دولت به اتمام رسیده و آن مکان برای برگزاری هر چه باشکوه‌تر مراسم تعزیه و عزاداری محرم آماده شده بود؛ زیرا در گزارش موجود از وقایع آن سال از تزئینات متنوعه تکیه سخن گفته شده است. در آن گزارش می‌خوانیم:

«سرکار همایون اقدس شاهنشاهی به مقتضای ارادت کامله خسروانه که به خاندان حضرت رسالت پناهی صلی الله علیه و آله دارند از غره محرم همه روزه هنگام ظهر در دربار عظم و سه ساعت به غروب مانده در تکیه مبارکه دولتی که قبل از وقت حسب الامر الاعلی، تهیه اوضاع مصیبت‌داری و تدارک اسباب سوگواری مهیا داشتند و به تزیینات متنوعه آراسته بودند، به سماع ذکر مصایب و عرض مرثی و ملاحظه شبیه صرف اوقات ملوکانه می‌فرمودند. جناب مستطاب اشرف امجد صدراعظم نیز در خانه شخصی خود شب‌ها را مجلس عالی انعقاد داده و به موجب دعوت از اجله و اعظام شاهزادگان و امرا و ارکان دولت، جمعی کثیر در مجلس ایشان حضور به هم رسانده و به استماع ذکر مصایب می‌پرداختند. اکابر اعیان و اعظام رجال و سایر چاکران و خدام نیز کل علی حبه لیلاً و نهاراً مجالس تعزیت‌داری و سوگواری انعقاد داده و به ذکر مصایب و دعای دولت علیه اشتغال داشتند. تجار و کسبه و آحاد ناس نیز به موجب آسودگی که در هذو السنه من جمیع الجهات به جهت ایشان حاصل بود، در تکایا و مساعد و خانه‌های خود، زیاده از سنوات سابقه به مراسم تعزیه‌داری و روضه-خوانی و عبادات وارده مشغول بودند» (روزنامه ایران، ۱۲۹۰: ش ۱/۱۵۰).

مخبرالسلطنه هدایت در خاطرات خود در مورد برگزاری تعزیه در تکیه دولت بیان می‌کند:

«در دهه عاشورا در تکیه دولت تعزیه‌داری مفصل می‌شد، وزراء و امراء تأسی می‌کردند و از برای مردم هم فال بود و هم تماشا. مقدمتاً روضه خوانده می‌شد، سپس شبیه درمی‌آوردند. دسته تعزیه‌خوان معلّم

در آواز و نقش خود تربیت شده بودند. مشهور آن‌ها ملاحسین امام خوان، میرزا غلامحسین عباس‌خوان، جهانگیر مسلم‌خوان بودند و جمعی بچه‌های خوش آواز در لباس و ملزومات تجمل بسیار می‌شد. شب‌ها تکیه، چراغان بود. انعام‌ها و خلعت‌ها مرحمت می‌گردید و دور تکیه بیست طاق‌نما هست. مرتبه تحتانی را وزراء و امراء می‌بستند. مرتبه وسط و فوقانی در دسته زنبوری، مخصوص حرم بود. در یکی از حجرات، شاه جلوس می‌کرد. روبه‌روی دیرک، در تزیین رقابت می‌کردند. چای و قهوه برای واردین، ناهار و شام برای مباشرین مهیا بود. از شب‌های آخر، شبی ناصرالدین شاه گردش می‌کردند. صاحبان طاق‌نما پیش‌کشی‌ها تقدیم می‌کردند. یکی از طاق‌نماها که متعلق به پدرم بود، ده روزه، هشتصد الی هزار تومان خرج برمی‌داشت. اطراف سکو از زنها پر می‌شد. قریب شش هزار نفر. مردها راه نمی‌یافتند. گاهی زد و خوردی هم بین زنها واقع می‌شد و لنگه کفشی در کار می‌آمد. در موقع روضه‌خوانی کسی که قادر بود جمعیت را از صدا بیندازد سید ابوطالب صدر‌الذاکرین بود. اولاً صدایی داشت که تکیه را پر می‌کرد. دیگران آواز خوش داشتند و خلق الله را ساکت نمی‌توانستند کرد.» (هدایت، ۱۳۶۱: ۸۸).

تکیه‌های دولت در شهرستان‌ها

رفتار ناصرالدین‌شاه در برپایی تکیه‌های دولتی در تهران، سرمشقی برای حکام ایالات و ولایات در سراسر ایران بود. در محرم سال ۱۲۷۸ق. در عراق (اراک فعلی) «مردم جمیعاً به لوازم تعزیه-

داری پرداخته و میرزا زکی وزیر نیز تکیه دولتی را برپا نموده و همه‌روزه به لوازم تعزیه‌داری مشغول است» (روزنامه دولت علیه ایران، ۱۲۷۸: ش ۲۲۷/۴۹۸).

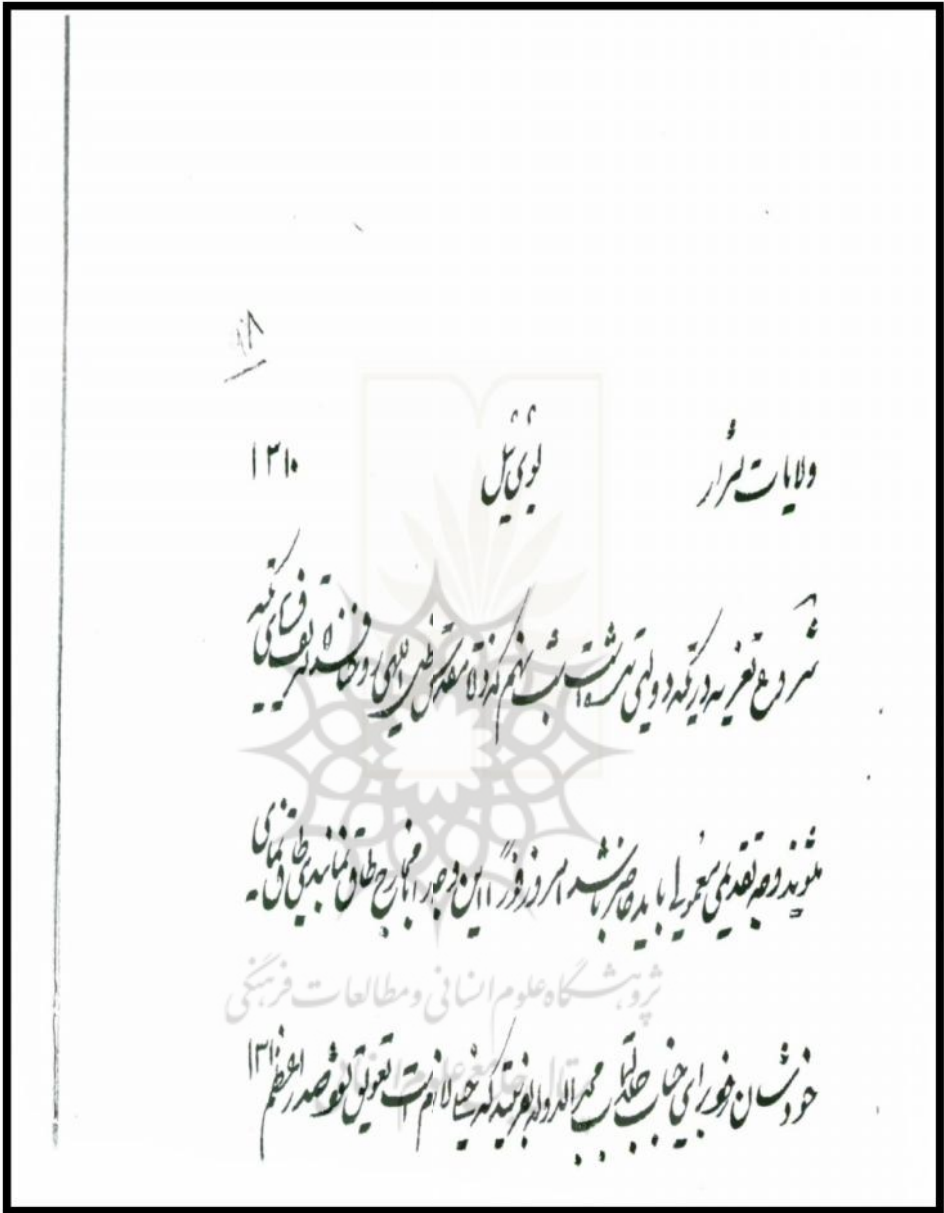
هم زمان در بندر انزلی نیز مراسم مشابهی برگزار می‌شد: «در ایام عاشورا امیرزاده شاهرخ میرزا، حاکم انزلی با جمیع نوکر و اعیان ولایت مزبور، به لوازم تعزیه‌داری اشتغال ورزیده و مراسم دعاگویی دولت جاوید مدار به عمل آورده بودند» (همان: ۲۲۶).

گزارش وقایع تبریز در محرم سال ۱۳۱۳ق. مشتمل بر اخباری از برگزاری مراسم‌های عزاداری و نیز فعالیت تکیه دولتی در آن شهر است. در این گزارش آمده است:

«در این ایام محرم که موسم عزا و ماتم است عموم اهالی ایران، خاصه سکنه آذربایجان به اقتضای حسن نیت و خلوص عقیدتی که جداً در سوگواری این تعزیت عظمی دارند، لیلاً و نهاراً در هر گوشه و کنار و محافل و بازار مجالس تعزیه‌داری برپا و با اخلاص و ارادت به ذکر مناقب و مصایب حضرت خامس آل عبا علیه آلاف التحیه و الثناء و دعای بقای ذات اقدس همایونی ارواحنا فداه اشتغال دارند. بندگان حضرت اقدس والا ولیعهد روحنا فداه به رسم مقرر در تکیه دولتی که با نهایت رونق و شکوه و جمعیتی انبوه تشکیل یافته از پنج تا دو ساعت به غروب مانده به مراسم عزاداری مشغول و بعد از آن هم در باغ شمال مجلس روضه‌خوانی مخصوصی ترتیب فرموده و با نفس مبارک با فقرا و ضعفاء مراتب سوگواری را به طور کامل معمول و محض مزید دعاگویی ذات اقدس ملوکانه احسانات کامله مبذول می‌فرمایند» (روزنامه ناصری، ۱۳۱۳: ش ۷/۱۱).

نتیجه گیری

با توجه به اینکه مراسم محرم و عزاداری عاشورا، در دوره آل‌بویه رسمی شد و بعد از آل‌بویه این مراسم برگزار می‌شد، اما دوره قاجار اوج برگزاری واقعه عاشورا بوده است. چنانکه تعزیه و تعزیه‌خوانی که یکی از شکل‌های عزاداری بود، در تکیه‌ها برگزار می‌شده؛ هم‌چنین دوره ناصری بیشترین تکیه‌ها ساخته شد. تکیه‌ها به تکیه‌های اصناف و تکیه‌های دولتی تقسیم می‌شد. مهم‌ترین تکیه دولتی، تکیه گلستان بوده که دوره ناصرالدین‌شاه ساخته شده و از لحاظ ساخت و معماری اهمیت بسیاری داشت، چنانکه سفرنامه نویسان اروپایی که دوره قاجار به ایران مسافرت‌هایی داشته‌اند، در خاطرات خود از این تکیه یاد کرده‌اند. نحوه برگزاری مراسم مذهبی در تکیه به این صورت بود که ابتدا روضه‌خوان، مختصری از مصایب و بلاهای حزن‌انگیز حضرت امام حسین (ع) را بیان می‌نمود و چون اسم امام حسین (ع) برده می‌شد، فوراً از آن جمعیت صدای ناله و گریه حزن‌انگیزی بلند می‌شد. بعد از گریه بسیار، روضه‌خوان از منبر به زیر آمده و پس از او دسته موزیک وارد می‌شد. بعد از موزیک چند دسته مختلف وارد تکیه می‌شدند که دسته اول، دسته‌سقا بود که هر کدام مشکی بر دوش خود گذاشته بودند و چون در میان مردان و زنان می‌رسیدند، بعضی فریادهایی می‌زدند و چیزهایی می‌گفتند که باعث سوزش قلب مستمعین می‌شد. بعد از ورود سقایان یک دسته درویش داخل تکیه می‌شدند و هر کدام دسته زنجیری در دست داشتند که بر دوش برهنه خود می‌زدند.



کتابخانه ملی و مرکز اسناد تهران، تلگراف متقابل صدراعظم و رکن الدوله در خصوص ارسال پیشکش و مخارج طاق نمای تکیه‌ی دولتی به علت حضور شاه در مراسم تعزیه، شماره

سند ۱۷۸۲۱ - ۲۹۶، ۱۳۱۰ هـ.ق، ص ۱.

منابع و مأخذ

- ابطحی، علی‌رضا و احمد کامرانی‌فر و مائده شریفیانا (۱۳۹۰). «تکیه دولت و کاربردهای آن». سخن تاریخ. ش ۱۲. صص ۸۰-۶۳.
- اتحادیه، منصوره و سیروس سعدوندیان (۱۳۶۸). *آمار دارالخلافه تهران (اسنادی از تاریخ اجتماعی در عصر قاجاریه)*. تهران: نشر تاریخ.
- بلوکباشی، علی (۱۳۸۳). *تعزیه خوانی حدیث قدسی مصایب در نمایش آئینی*. تهران: امیرکبیر.
- بیگی، حسن (۱۳۷۳). *تهران قدیم*. قم: ادب.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷). *لغت نامه دهخدا*. جلد ۵. تهران: دانشگاه تهران.
- ذکاء، یحیی (۱۳۴۹). *تاریخچه ساختمان‌های ارگ سلطنتی و راهنمای کاخ گلستان*. تهران: انجمن آثار ملی.
- سپهر، عبدالحسین خان (۱۳۶۸). *مرآت الوقایع مظفری و یادداشت‌های ملک‌المورخین*. با تصحیحات و توضیحات عبدالحسین نوایی. تهران: زرین.
- شهری، جعفر (۱۳۷۱). *طهران قدیم*. ج ۲. تهران: معین.
- عزیزالسلطان (۱۳۷۶). *روزنامه خاطرات عزیزالسلطان ملیجک ثانی*. جلد ۲. به کوشش محسن میرزایی. تهران: زریاب.
- کوهستانی نژاد، مسعود (۱۳۸۷). «درآمدی بر تکیه‌های دولتی در عصر قاجار». *تئاتر*. ش ۴۳ و ۴۲. صص ۱۳۳-۱۱۶.
- مخبرالسلطنه، مهدی‌قلی خان (۱۳۶۱). *خاطرات و خطرات*. تهران: کتابفروشی زوار.
- مستوفی، عبدالله (۱۳۲۴). *شرح زندگانی من یا تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه*. ج ۱. تهران: کتابفروشی محمدعلی علمی.
- ویلس، چارلز جیمز (۱۳۶۳). *تاریخ اجتماعی ایران در عهد قاجاریه*. ترجمه سید عبدالله. تهران: زرین.

نشریات

- روزنامه ناصری. س ۲. ش ۱۱. ۱۱ محرم ۱۳۱۳هـ.ق.
- روزنامه دولت علیه ایران. ش ۴۹۶- ۴۹۵ و ۴۹۸. ۱۱ و ۲۰ محرم ۱۲۷۸هـ.ق.
- _____ . ش ۵۲۶- ۵۲۵. ۱۲ و ۲۶ محرم ۱۲۷۹هـ.ق.

- _____ . ش ۵۴۵ - ۵۴۴ . ۱۷ ذی الحجه و ۱۵ محرم ۱۲۷۹ هـ.ق.
- _____ . ش ۵۴۵ . ۱۵ محرم ۱۲۸۰ هـ.ق.
- _____ . ش ۶۴۱ . ۲۶ محرم ۱۲۸۷ هـ.ق.
- _____ . روزنامه ایران. ش ۱۳۰۱۵۰ . ۱۳ محرم ۱۲۹۰ هـ.ق.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی